

تقویم

تاریخ

۵ آذر ماه ۱۳۶۹ | سالروز در گذشت سید حسن میر خانی، استاد خوش نویسی

میر خانی، معروف به «سراج الکتاب» در نوشتن تمام انواع خط از قبیل نسخ،ثلث،علیق و شکسته و به ویژه خط نستعلیق، مهارتی بسیار داشت و در سرودن شعر نیز توانا بود. این استاد بزرگ خوش نویسی، بیش از ۶۰ جلد کتاب با خط خوش نوشت که خوش نویسی کلیات سعدی و دیوان حافظ از آن جمله است.



یک روایت، یک درس

لطیف و رحیم و مهربان باش

امیر مومنان علی (ع) می فرماید: «احساس رحمت، محبت و لطف به اطرافیان را در دلت زنده نگه دار و بر آنان درنده ای آسیب رسان مباحث که شکارش را غنیمت داند؛ چرا که آنان دودسته اند: دسته ای برادر دینی تو آند و دسته ای دیگر در آفرینش همانند تو…» و در

سخنی دیگر می فرماید: «بهترین راه جذب رحمت و مهربانی الهی این است که در دل، نیتِ رحمت به همه مر دم داشته باشی…»

نهج البلاغه و غر الحکم

۱۵ دقیقه

زمان لازم برای مطالعه این صفحه

همشهری سلام

همشهری سلام

همشهری سلام

همشهری سلام

آب و هوا

امروز



مشهد
-۵٫۶



تایباد
-۳٫۷



تربت جام
-۳٫۵



تربت حیدریه
-۲٫۶



درگز
-۶٫۴



سبزوار
-۲٫۶



فوجان
-۶٫۴



نیشابور
-۳٫۶



کاشمر
-۱٫۷



گناباد
-۱٫۶

تفسیر نور

در آیات ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم می خوانیم:

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبْنَا...مَثَلًا كَلِمَةً طَبِيعَةً كَشَجَرَةٍ طَبِيعَةً أَضْلَاهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ. تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذِنُ زَيْهَا وَيَضْرِبُ...الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

آینادیدی خدا چگونه مثال زده سخنی پاک را که مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است. میوه اش را اهر به اذن پروردگارش می دهد و خدا مثال ها را برای مردم می زند شاید که آنان پند گیرند.

استاد قرآنی در تفسیر این آیه می گوید:

- در مثال های قرآن دقت کنیم.

● عقیده حقیّ، کلمه طَبِيعه ای است که اصل آن در قلب مؤمن ثابت است و از الطاف خداوند آن است که مؤمنان را بر این عقیده حفظ می کند.

کلام حق، پایدار و استوار و پایر جاست.

- در خت ایمان، همواره ثمر دارد و مومن پاییز و خزان ندارد.

- تشبیه و تمثیل، شیوه ای قرآنی برای توجه و تذکر مردم است.

حکمت روز

یک نقاش دانوا توانا

● نقاش ها در پی فضایی روشن می گردند تا بتوانند طبیعت یا انسانی را بر بوم، نقاشی کنند. هر چه آن نقش، ظریف تر باشد به نور بیشتری نیاز است تا جزئیاتش بهتر دیده شود، اما خداوند متعال [همان طور که در قرآن می گوید:]، انسان را در تاریکی های رحیم مادر که در آن نور و روشنایی در آن نیست و تاریکی محض است، با این همه ظرافت و دقت و زیبایی و عظمت می آفریند! آیا چنین آفریدگاری سزاوار بندگی و پرستش نیست؟

حجت الاسلام رحبر سلوک باران

در محضر بزرگان

سفارش به نماز اول وقت

● در احوالات حضرت آیت ... شیخ محمد مجتهد می گویند: شیخ در عبادت و صفای باطن و تضرع و زاری به درگاه خدای سبحان و تهجد و نماز شب و مناجات و نماز اول وقت، زبانه زد خاص و عام بود و می فرمود: حضرت مهدی عج به یکی از مشتاقان دیدارش که به زیارت آن حضرت موفق شده بود، دو بار فرمود: از رحمت خدا دور است کسی که نماز صبح را چندان تأخیر بیندازد تا ستاره ها ناپدید شوند و نماز مغرب را به قدری تأخیر بیندازد، تا ستاره ها ظاهر شوند. و یادکر این حدیث همیشه شاگردان و اطرافیان‌ش را به نماز اول وقت و اهمیت آن سفارش می کرد.

عرفان اسلامی

خاطرات سرخ

صغری یاسیف...؟

● پدر و مادر اصرار داشتند: «تو بچه ای، فعلا درست را بخوان.» و نمی گذاشتند بروم جبهه. یک روز که شنیدم بسیج اعزام نیرو دارد، لباس های صغری خواهرم را پوشیدم و سطل آب را برداشتم و به بهانه آوردن آب از چشمه زدم بیرون. پدرم که گوسفند ها را از صحرایمی آورد، داد زد: «صغری کجا؟» برای این که نفهمد سیف ... هستم، سطل آب را بلند کردم که یعنی می روم با یاورم. خلاصه رفتم و از جبهه لباس ها را با یک نامه پست کردم. یک بار پدرم آمده بود و از شهر تلفن کرده بود. می گفت: «ای بی صدر اوای به حالت. مگر دستم بهت ترسه!»

روزی روزگاری جنگی

تغآل

حافظ

یاری اندکس نمی،نیخیم، یاران را چه شد

آب حیوان تیرگون شش خرفخ پیکجاست

خون پکید از شاخ گل، باد بهاران را چه شد

خبرنگار عصری

همشهری سلام



بریده کتاب

پیش از ترک لندن و بازگشت به ایران خوب است از ماجرای بامزه‌ای یاد کنم که روزی در یکی از خیابان‌های لندن بر اییم اتفاق افتاد. در خیابانی که نام آن را فراموش کرده‌ام، همچنان که به سمت ایستگاه مترو روان بودم، چشمم به دو نفر ناشناس افتاد که ضمن این که با هم راه می‌رفتند گرم صحبت بودند. از قیافه و طرز لباس و راه رفتن شان حدس زدم که باید ایرانی یا عرب باشند. قدم تند کردم تا از نزدیک به سخنان شان گوش بدهم و ببینم اگر فارسی حرف می‌زنند و همشهری هستند یا ایشان باب آشنایی را باز کنم. درحالی که به ایشان نزدیک شده گوش تیز کرده بودم با کمال تعجب دیدم که دارند کردی حرف می‌زنند. جمله قبلی ایشان را شنیده بودم که یکی به دیگری چه گفته بود و موضوع بحث چه بود، ولی جواب دومی را شنیدم که به زبان کردی به رفیقش گفت: «ای آقا! در این شهر غریب که ما را می شناسد؟» من که پشت سرشان بودم بلافاصله با همان زبان کردی گفتم: «من، آقا! من! من شمارا می شناسم.» (من، آغا، من! من ایوه‌ئه‌ناسم!) هر دو سخت یکه خوردند و سر بر گرداندند که ببینند این شخص ثالث کیست که ایشان را می شناسد؛ و چون مرانشناختند تعجب کردند و گفتند: «ولی آقا، ما شمارا نمی شناسیم!»

خندیدیم و خودمان را به یکدیگر معرفی کردیم، و از قضایا در لندن بودم یک‌روز هم ناهاری باهم خوردیم.

خاطرات یک مترجم نویسنده: محمد قاضی

دیالوگ ماندگار

من معتقدم هر چیزی که آدم رونکشه، اون‌رو بیشتر و بیشتر غیر قابل پیش بینی می کنه.

شوالیه تاریکی

کارگردان: کریستوفر نولان



دیکشنری

Show up

To appear or arrive.

رسیدن، (سرو کله) کسی) پیداشدن مثال:

Tom showed up at my door with flowers to apologize for his rude behavior.

تام با به دسته گل سرو کله اش جلوی خونه‌ام پیداشد تا از رفتار بی ادبانه‌اش معذرت بخواد. Where is John? I hope he shows up soon.

جان کجاست؟ امیدوارم زود سرو کله‌اش پیدایشه.

ضرب المثل فارسی

یک «نه» و هزار آسونی!

این جمله، کنایه‌است به فردی که باوجود توانایی انجام کاری، وقتی برای انجام آن کار از او پرس و جومی کنند، می گوید: «نه، نمی دانم.» مثلاً به او می گویند: فلان موضوع یادت هست؟ یا می دانی فلان ابزار کجاست؟ و او بر این ای که از شُرپاسخ گویی یا آوردن آن شیء خلاص شود، می گوید: «نه، نمی دانم.»



معلمی و مادرانگی

سانی اسکایز یک معلم در ماساچوست، یکی از دانش آموزانش را که سندروم داون دارد و مادرش به تازگی بر اثر سرطان از دنیا رفته به فرزند ی قبول کرده. جیک به همراه مادرش جین از فلوریدا به ماساچوست آمده بودند تا جین بتواند تحت درمان قرار بگیرد. آن‌ها یک مدرسه برای جیک پیدا کردند و در آن جا با کری برمر آشنا شدند که برای جیک خیلی بیشتر از یک معلم ساده شد. کری که از وضعیت جین باخبر بود، به او پیشنهاد داد که اگر جین فوت کرد، جیک را به فرزند خواندگی بپذیرد. جین قبول کرد و وقتی یک روز بعد از جلسه شیمی درمانی از خواب بیدار نشد، کری بلافاصله جیک را به خانواده پنج نفره خود برد.

لذت درک رنگ‌ها

سانی اسکایز یک دانش آموز که از کوررنگی شدید رنج می برد، وقتی توانست برای اولین بار رنگ‌ها را تشخیص دهد، از شوق گریه کرد. بن جونز، برادر بزرگ‌تر جاناتان، ویدیویی را در توئیتر به اشتراک گذاشته بود که در آن، بچه‌ها دارند در کلاس در باره کوررنگی آموزش می‌بینند و مدیر مدرسه که خودش هم کوررنگی دارد، عینکی به جاناتان می‌دهد تا او بتواند برای اولین بار رنگ‌ها را ببیند. جاناتان از خوشحالی دیدن رنگ‌ها زیر گریه می‌زند و مدیر هم او را در آغوش می‌گیرد. این ویدئو تنها طی دوروز بیش از چهار میلیون بار دیده‌شده‌است. مادر جاناتان برای خریدن این عینک گران قیمت در سایت جمع‌آوری اعانه، در خواستی داده تا پسرش همیشه بتواند دنیا را رنگی ببیند.

۴ گوشه ایران



مهارت یک دقیقه‌ای

چند روش برای داشتن انعطاف پذیری عاطفی

● اگر نتوانیم به خوبی بر چالش‌های زندگی خود غلبه کنیم، به جایی نخواهیم رسید. انعطاف‌پذیری عاطفی به ما کمک می‌کند که مکانیسم‌های درست‌سازش را ایجاد کنیم و در دوره‌های سخت و پُر استرس زندگی، تعادل خود را حفظ کنیم تا بتوانیم کنترل احساسات مان را در دست بگیریم و بر آن‌ها مسلط شویم. با مرور چند روش برای داشتن انعطاف‌پذیری عاطفی با ما همراه باشید.
● **همه چیز را آن‌طور که هست بپذیرید.** پذیرش واقعیت‌ها نخستین گام برای غلبه بر هر چیزی است. بیشتر اوقات پذیرش واقعیت‌ها یکی از سخت‌ترین کارهایی است که می‌توانیم انجام دهیم. وقتی اتفاق بدی رخ می‌دهد، ممکن است بخواهیم مشکل را برطرف کنیم و اوضاع را به حالت قبل برگردانیم. ولی همیشه این کار امکان‌پذیر نیست. در چنین اوضاعی باید با احساسات خود کنار بیاییم و هر چه پیش می‌آید بپذیریم. وقتی چیزهایی را که نمی‌توانیم کنترل دخالتی، احساسات منفی ذخیر شده در بدن رفتار فته تجزیه می‌شوند و از بین می‌روند.

● **در اطراف خود جو مثبتی ایجاد کنید.** اگر بلندپرواز نیستید و خس می‌کنید که در رنج‌ها و مشکلات زندگی گرفتار شده‌اید، به احتمال زیاد دلیل آن وقت‌گذراندن با افرادی است که انرژی شمارا پایین می‌آورند. انرژی منفی موجب خستگی و فرسودگی شما می‌شود. اگر می‌خواهید در زندگی موفق باشید، باید در انتخاب دوستان خود عاقلانه عمل کنید. داشتن دوستان و اطرافیان مثبت شبکه حمایتی قوی برای ما ایجاد می‌کند که می‌توانیم بر آن تکیه کنیم.

● **تحرك داشته باشید.** انرژی منفی عاشق بی‌حرکی و ایستایی است. اگر جسم مان را حرکت ندهیم، تمام این انرژی‌های سنی جریان می‌نزولی از احساسات منفی ایجاد می‌کنند. پس وقتی ناراحت و غمگین هستید حرکت کنید. آسان‌ترین و سالم‌ترین راه برای تغییر وضعیت احساسی ماتغییر دادن فیزیولوژی ماست. وقتی این قدرت درون ما جریان می‌یابد، بدون هیچ دخالتی، احساسات منفی ذخیر شده در بدن رفتار فته تجزیه می‌شوند و از بین می‌روند.



دریاچه پلاستیکی

آدیتی سنترال یک پیمانکار چینی که به سرمایه‌گذاران یک مجتمع مسکونی، قول یک محوطه بهشتی با پوشش گیاهی و دریاچه مصنوعی را داده بود، به طرز خنده داری آن‌ها را اغافلگیر کرد. وقتی صاحب‌خانه‌ها کلید واحدهای شان را تحویل گرفتند و رفتند تا از مجتمع بازدید کنند، با ناباوری دیدند که به جای دریاچه، یک پلاستیک آبی کف محوطه پهن شده که از طبقات بالا، توهم دریاچه را به ذهن القامی کند. پیمانکار البته با پشتکار و خلاقیت، یک پل چوبی هم روی پلاستیک قرار داده بود تا صاحب‌خانه‌ها حسابی غرق توهم دریاچه شوند.

رنگ تفريح

شهر مینیاتوری واقع گرایانه

«امیلی باکستون» عکاس و «پام گلوی» هنرمند، یک مجموعه از خانه‌های مینیاتوری درست کرده‌اند که با شهرهای مینیاتوری دیگری تفاوت‌ظریف دارد. در این مجموعه، خانه‌ها و مغازه‌ها، ترمیم‌وشسته‌رفته نیستند، در عوض مانند شهرهای مدرن، دیوارهای شان پر از نقاشی و گرافیتی است. گرافیتی‌های روی دیوارهای این شهر مینیاتوری، الهام گرفته از آثار حدود ۴۰ هنرمند شهری معاصر است.



علم به زبان ساده

آیا قورت دادن آدامس خطرناک است؟

قورت دادن آدامس نیازی به مراجعه به پزشک ندارد، با این حال توصیه نمی‌شود و بهتر است این کار را نکنید. اگر به‌طور اتفاقی آدامس‌تان را قورت دادید، نگران نشوید. بدن در حالت عادی نمی‌تواند آدامس را هضم کند، اما بعد از قورت دادن آن، تکه‌ای که از گلو پایین‌رفته است همان‌طور دست‌نخورده در دستگاه گوارش

معرفی کتاب

بانوشته کشتن

«بانوشته کشتن»، اثری داستانی به قلم محمد علی سجادی است که انتشارات ققنوس آن را منتشر کرده. داستان بن‌مایه جنایی-اجتماعی دارد و شخصیت اصلی آن که درگیر مشکلاتی از جمله از یاد بردن بخشی از خاطر آتش است، روایت را پیش می‌برد. مخاطب این رمان در واقع دنبال کننده یک داستان پلیسی است. شخصیت اصلی داستان در یک شکاف زمانی گیر افتاده و برای حل مشکل خود در صدد است به‌تنهایی و با نوشتن خاطرات روزانه،



مشکل را برطرف کند. نویسنده روی صحنه‌سازی و فضاهای خفقان‌آور آن قدر با دقت و وسواس کار کرده‌و توصیفات صحنه را به‌گونه‌ای ماهرانه به نگارش درآورده که مخاطب به‌راحتی می‌تواند همه را در ذهن خود مجسم کند و در لحظات ترس‌آور، حقیقتا به همراه شخصیت و داستان مضطرب می‌شود. اگر به دنبال کمی آدرنالین هستید، این کتاب را مطالعه کنید.